

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

نشانه- معناسناسی روایی مکتب پاریس

نشانه- معناسناسی روایی مکتب پاریس

جایگزینی نظریهٔ مدلیته‌ها بر نظریهٔ کنشگران:

نظریه و عمل

دکتر علی عباسی

۱۳۹۵



۶۱۶

مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی

نشانه- معنائشناسی روایی مکتب پاریس:
جایگزینی نظریهٔ مدلیته‌ها بر نظریهٔ کنشگران: نظریه و عمل
دکتر علی عباسی

ویراستار: فاطمه کواشی

حروف‌نگار و صفحه‌آرا: سمیرا دهقان

طراح جلد: آرمان خرمک

ناظر چاپ: صفر ممیزاد

چاپ اول: ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۳۰۰.۰۰۰ ریال

کلیهٔ حقوق برای دانشگاه شهید بهشتی محفوظ است.

سرشناسه:	عباسی، علی، ۱۳۴۴-
عنوان و نام پدیدآور(ان):	نشانه- معنائشناسی روایی مکتب پاریس: جایگزینی نظریهٔ مدلیته‌ها بر نظریهٔ کنشگران: نظریه و عمل / علی عباسی.
مشخصات نشر:	تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری:	شانزده، ۴۷۰ص. نمودار. مصور.
شابک:	۹۷۸ ۹۶۴ ۴۵۷ ۳۵۴۵
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیپا
یادداشت:	واژه‌نامه؛ کتابنامه؛ نمایه.
موضوع:	نشانه‌شناسی، Semiotics؛ روایتگری، Narration (Rhetoric)
شناسه افزوده:	دانشگاه شهید بهشتی
رده‌بندی کنگره:	۱۳۹۵ ن۵/ع۲/۹۹ P
رده‌بندی دیوبی:	۳۰۲/۲
شمارهٔ کتابشناسی ملی:	۴۳۹۸۹۰۲

کد ناشر ۱۰۰۱۷۳۴

www.pub.sbu.ac.ir

unipress@mail.sbu.ac.ir

اول خدا، آخر خدا

بعد از خدا:

همه کس مادر،

همه کس کبری،

همه کس کبری

....

فهرست مطالب

سخنی با خواننده	یازده
۱. مقدمه	۱
۱.۱. موضوع علم نشانه- معناشناسی: ظاهر شدن معنی	۱
۲.۱. هدف نشانه- معناشناسی	۲
۳.۱. تعریف و تمایز نشانه- معناشناسی و نشانه‌شناسی	۵
۴.۱. پرسش اصلی و انتخاب موضوع این اثر: روایی‌گری	۱۰
۵.۱. معرفی بخش‌های کتاب	۱۳
۲. پیشینه تاریخی روایی‌گری	۱۹
۱.۲. نگاهی کوتاه و تاریخی به نظریه‌ی روایی	۱۹
۲.۲. ریشه‌های مربوط به نظریه‌ی روایی	۲۰
۳.۲. بنیان‌گذار تحلیل روایی: ولادیمیر پروپ	۲۶
۴.۲. منطق نقش‌ها: کلود برمون	۳۲
۵.۲. نشانه- معناشناسی روایی: گرمس	۳۸
۳. بخش نظری و روش‌شناسی	۴۱
۱.۳. سازمان‌دهی کلی معنا، ساختار بنیادین از دلالت معنایی (ژرف ساخت)	۴۱
۱.۱.۳. تعریف سیر روایی	۴۱
۲.۱.۳. سیر زایشی معنا	۵۲
۳.۱.۳. مربع معنایی: ساختار بنیادین دلالت معنایی و بازگشت به اصل تقابل (استفاده‌ی عملی)	۶۰
۴.۱.۳. مربع حقیقت‌نمایی	۸۳
۲.۳. عناصر روایی	۹۹
۱.۲.۳. آکتان، کنشگر، محمول (از خط سیرهای کنشگران تا نحوِ مُدل)	۹۹
۲.۲.۳. مُدل‌لیته‌ها (از نحوِ کنشگران تا نحوِ مُدل)	۱۳۷

۱۷۳.....	۳.۲.۳. شیء و ارزش
۱۸۵.....	۳.۳. شکل‌های روایی و ساختارهای روایی رو ساخت
۱۸۵.....	۱.۳.۳. شکل‌های بنیادین از سیر روایی (عناصر اصلی در تحلیل روایی)
۲۰۹.....	۲.۳.۳. برنامه‌ی روایی و پیچیدگی‌های آن
۲۳۰.....	۴.۳. الگوی روایی هنجارگونه‌ی کلی
۲۳۳.....	۱.۴.۳. مرحله‌ی «عقد قرارداد»، «تأثیر گذاری» یا مرحله‌ی «ترغیب»
۲۴۹.....	۲.۴.۳. مرحله‌ی «عمل»
۲۵۸.....	۳.۴.۳. مرحله‌ی «جزا»
۲۶۵.....	۴. مبحث کاربردی
۲۶۹.....	۱.۴. تحلیل کاربردی- عملی افعال مُدل
۲۷۲.....	۱.۱.۴. کارکرد افعال مُدل در فیلم «قیصر» اثر مسعود کیمیایی
۲۷۵.....	۲.۱.۴. کارکرد افعال مُدل در «کودک با لباسهای کثیف» در یک آگهی تلویزیونی
۲۷۷.....	۳.۱.۴. کارکرد افعال مُدل در مسابقه‌های دوچرخه‌سواری «دورفرانسه»
۲۸۰.....	۴.۱.۴. کارکرد افعال مُدل در روایت «عزیمت پدر»
۲۹۰.....	۲.۴. تحلیل کاربردی- عملی برنامه‌ی روایی
۲۹۰.....	۱.۲.۴. تحلیل برنامه‌ی روایی و ارائه‌ی مربع معنایی در «آگلوگا» از ژان ماری لوکلزیو
۲۹۹.....	۲.۲.۴. تحلیل برنامه‌ی روایی در سفره‌ی جادویی
۳۰۲.....	۳.۲.۴. تحلیل برنامه‌ی روایی و ارائه‌ی مربع حقیقت‌نمایی در "روایت آقا کلاغه"
۳۰۹.....	۴.۲.۴. تحلیل برنامه‌ی روایی در «فرشته‌کوپلوی باد» قصه‌ی کوتاه از کشور چکسلواکی
۳۱۴.....	۵.۲.۴. تحلیل برنامه‌ی روایی و ترکیبات گوناگون آن در «بی‌بی ژاگا»
۳۲۹.....	۳.۴. تحلیل نحو روایی و ارائه‌ی الگوی روایی هنجارگونه
۳۳۸.....	۱.۳.۴. تحلیل نحو روایی و چگونگی متقاعد سازی در خاکسترنشین (سیندرلا): برنامه‌ی پایه و ابزار
۳۳۸.....	۲.۳.۴. تحلیل نحو روایی و ارائه‌ی الگوی روایی هنجارگونه در «انتقام» اثر گی دو مویسان
۳۷۳.....	۴.۴. تحلیل مربوط به رابطه‌ی فاعل کنشگر و شیء ارزشی
۳۷۳.....	۱.۴.۴. رابطه‌ی فاعل کنشگر و شیء ارزشی. مورد مطالعه «در گذشته» از شارل کرو
۳۸۲.....	۲.۴.۴. رابطه‌ی شیء و ارزش: مورد مطالعه حمال، کباب‌فروش و دیوانه اثری از ژبله
۳۸۸.....	۵.۴. تحلیل‌های مربوط به مربع معنایی

- ۱.۵.۴. تحلیل معنایی از تابلوهای «نماز»، «مجنون» و ... اثر خشایار قاضی زاده ۳۸۸
- ۲.۵.۴. تحلیل معنایی از مسجد - شهر (ایده آل شهر): تعامل خُردنظام (مسجد) با کلان نظام (شهر) ۳۹۷
- ۳.۵.۴. تحلیل معنایی از تهران: گسست و پیوست معنا: تحلیلی از اشکال معنایی معماری شهر تهران ۴۱۲
- ۴.۵.۴. تحلیل معنایی از تابلویی از کلیله و دمنه ۴۲۸
- ۵.۵.۴. تحلیل معنایی از تصویر " زن و لوله بخاری " اثر ربیه ۴۳۳
- ۶.۵.۴. تحلیل معنایی از " آگلوگا " از ژان ماری لوکلزیو ۴۳۷
- ۷.۵.۴. تحلیل معنایی از سازده کوچولو از آنتوان دو سنت اگزوپری ۴۴۲
۵. نتیجه کلی ۴۴۵
- منابع ۴۴۹
- واژه نامه فارسی - فرانسه ۴۵۱
- واژه نامه فرانسه - فارسی ۴۵۹
- نمایه ۴۶۷

سخنی با خواننده

نشانه- معنانشناسی روایی¹ مکتب پاریس (جایگزینی نظریه مدلیته‌ها بر نظریه کنشگران: نظریه و عمل) مقدمه‌ای است برای فهم دقیق دلالت‌های معنایی به کمک نشانه- معنانشناسی مکتب پاریس: علم جدید (در ایران)، پربار و جذابی که امروزه چه در مقدمات، چه در نتایج و چه در کاربرد و پیاده کردن آن روی گفتمان‌های گوناگون پیشرفت‌های چشم‌گیری داشته است.

«نشانه- معنانشناسی روایی...» اثری است برای تمام کسانی که علاقه دارند مبانی اصلی مباحث روایی را بشناسند. حوزه مطالعه علم نشانه- معنانشناسی مکتب پاریس به بُعد روایی (یا کنشی)، بُعد صوری (یا فیگورتیو)، بُعد حسی- عاطفی، بُعد شناختی و بُعد گفته و گفته‌پردازی تقسیم می‌شود، اما تا کنش یا عمل نباشد نمی‌توان از هیچ‌یک از این ابعاد سخن گفت. انتخاب گفتمان روایی یا بُعد کنشی و به دنبال آن بُعد صوری (امید است در کتابی دیگر به موضوع صورت‌ها، گفته و گفته‌پردازی بپردازیم) در این اثر به این دلیل است که اعتقاد داریم همه چیز با کنش آغاز می‌شود و به همین دلیل باید ابتدا منطق و دستور زبان کنش را آموخت. کنش روایی² که هنر روایی یکی از شکل‌های پیشرفته آن به شمار می‌آید، واسطه‌ای است نمادین از کنشی که در آن انسان می‌آموزد در حوزه‌ها و میدان‌های گوناگون سیروگذر کند (هم‌چون: داستان‌های خنده‌آور، عمل روایت شفاهی یا نوشتاری از خاطرات شخصی، حوادث، قصه‌های پریان، فیلم‌های تخیلی یا فیلم‌های مستند و فیلم‌های گزارشی، پیام‌های بازرگانی یا سیاسی). به همین خاطر آموختن کارکرد و سازوکار روایی در گفتمان‌ها بسیار ضروری است و این اثر «نشانه- معنانشناسی روایی...» همان ابزاری است که این کارکرد را به‌روشنی معرفی می‌کند.

از سوی دیگر، به دلیل نیازها و خواسته‌های روزافزون مخاطبان فرهیخته و فرهنگی در حوزه نشانه- معنانشناسی و نیاز مبرم به یک روش‌شناسی معتبر و دقیق، هدف این کتاب، دیگر، هم‌چون زبان‌شناسی، توصیف جمله نیست، بلکه نشان دادن «کارکرد روایی گفتمان» و معرفی منطق و دستور زبان هر نوع گفتمانی است. طبیعتاً از یافته‌های جدید در این حوزه کاملاً سود

1. sémiotique narrative

2. acte narratif

برده‌ایم. زمانی که نیاز مبرم به روش‌شناسی دقیق در این حوزه برای تحلیل متون در تمام سطوح آموزشی، تعلیمی و پژوهشی حس می‌شود، به‌نظر ارائه مجموعه‌مفاهیم کلیدی و پایه‌ای این علم که خاص این نوع از تحلیل‌هاست و نیز اعمال آن‌ها بر متون گوناگون هنری به شکل کاربردی، بسیار ضروری می‌نماید.

بر این اساس به‌درستی می‌توان ادعا کرد که در حوزه «نشانه-معناشناسی روایی» (مکتب پاریس)، این اثر اولین کتاب پایه‌ای، مقدماتی و تقریباً کامل (چه از لحاظ نظری و چه از لحاظ روش‌شناسی) است. به همین دلیل این علم با ابزاری کارآمد و محکم (زبان‌شناسی، منطق و انسان‌شناسی) و با تکیه بر اصول روش‌شناسی و به دور از سلیقه‌ها و اندیشه‌های فردی تلاش دارد با نگاهی عینی و علمی ارتباطات، بازی‌های دلالت‌معنایی، پیوندهای بین ساختارها، ارتباط بین نشانه‌ها و چینش آن‌ها با یکدیگر را در یک گفتمان نشان و در ادامه، سازوکار و دستور زبان هرگفتمانی (شنیداری، دیداری، و غیره) را با روشی کاملاً منطقی ارائه دهد. این اثر ارائه‌دهنده الگوهای روایی جدید و پیشرفته است و از این نگاه، اولین کتاب پایه‌ای و مقدماتی در حوزه «نشانه-معناشناسی روایی» است.

واقعیت این است که ما در این اثر به دنبال علمی هستیم که تلاش دارد فنون و ساختارهای روایی مورد استفاده در یک متن ادبی را بررسی کند. علمی که نشان دهد چگونه ساختارهای نظام‌دهنده ادراک روایتی ما به کمک زبان به موجودات کاغذی (شخصیت‌های داستانی) تبدیل می‌شوند. درحقیقت، هر نوع گونه زبانی که باشد: شنیداری، دیداری، چشایی و لامسه‌ای موضوع مطالعه نشانه-معناشناسی است. نشانه-معناشناسی نه فقط سعی دارد انسجام درونی یک گفتمان، یک تابلوی نقاشی، یک رفتار حرکتی، آداب و رسوم غذا خوردن و خلاصه هر گونه اعمال و کردار فرهنگی را نشان دهد، بلکه می‌خواهد قوانین و کارکرد پنهانی منتج از این نظام‌های معنایی را تبیین کند.

«نشانه-معناشناسی-روایی...» علاقه‌مند به شکل‌های (فرم‌های) دلالتی و نه به لانگ،

تلاش دارد به دو عنصر اصلی بپردازد:

۱. «ترکیب‌های مُدلی (افعال تأثیرگذار) و کارکرد آن‌ها»

۲. ارائه یک «الگوی روایی هنجارگونه» کلی.

۱. اهمیت ترکیب‌های مُدلی در ارتباط با کنشگران خواهد بود. درواقع، مُدلیته‌ها نقشی بسیار مهم و اساسی در هویت‌بخشی به کنشگران دارند. این سخن بدین معناست که در هنگام تحلیل‌های نشانه-معناشناسی نوین اولویت به مُدلیته‌ها داده می‌شود. با جابه‌جایی چنین

دیدگاهی، یعنی اولویت‌بخشی به مُدلّیته‌ها و نه به کنشگران نشانه-معناشناسی مکتب پاریس مسیر تازه‌ای برای تحلیل‌های روایی انتخاب کرده است و دقیقاً همین ویژگی است که نشانه-معناشناسی را از نشانه-شناسی سنتی متمایز می‌کند. در ابتدا هدف رسیدن به تعریفی روشن از کنشگران به کمک عوامل خارجی بود. این سخن بدین معناست که نشانه‌شناسانی هم‌چون پروپ برای تعریف کنشگر به عوامل خارجی مانند پیش‌ساخته‌های فرهنگی متوسل می‌شدند. در صورتی که از این به بعد، تعریف کنشگر فقط از درون صورت می‌گیرد و نه از بیرون. این امر فقط زمانی محقق می‌شود که نظم و ترتیب مُدلی را پیدا کنیم، زیرا فقط مُدلّیته‌ها می‌توانند کنشگر را تعریف کنند و به آن هویت بخشند. به همین دلیل و به خاطر سیالیت مُدلّیته‌ها، آن‌ها نقطه آغاز هر حرکتی در هنگام تحلیل هستند. این رویکرد جدید به شکل ریشه‌ای روش تحلیل روایی را متحول و این توانایی را ایجاد کرده است تا داستان کنشگر و هم‌چنین اهداف او در گفتمان را از نزدیک با یک روش‌شناسی دقیق بررسی کنیم و دقیقاً این یکی از اهداف اصلی این اثر است.

۲. اهمیت ارائه یک «الگوی هنجارگونه کلی» برای هر نشانه‌شناسی به‌روشنی روز است، زیرا چه برای نشانه‌شناس ساخت‌گرا چه نشانه‌شناس پسا‌ساخت‌گرا، نشانه-شناسی بدون الگو وجود ندارد. «الگوی هنجارگونه کلی»، در واقع، دستور زبان، کوچک‌ترین واحد معنایی و اصلی‌ترین عنصر تشکیل‌دهنده نظام هر گفتمان و هر روایت است و به‌درستی می‌توان ادعا کرد که گفتمان و روایت اصولاً با این الگو تعریف می‌شوند. با نگاهی کلی باید گفت که اصلاً واحد معنایی هر کنشی این «الگوی روایی هنجارگونه کلی» است. اهمیت این الگو به اندازه‌ای است که می‌توان گفت که دستور زبان تمام کنش‌های بشری از این الگو پیروی می‌کند. نمی‌توان کنشی را تصور کرد که از این قاعده خارج باشد. به‌طور نمونه، کنش خوردن، راه رفتن، شنا کردن، حرف زدن، مطالعه کردن، دوچرخه‌سواری کردن و غیره، تماماً از این الگو پیروی می‌کنند. از آن‌جایی که جوهره روایت تشکیل‌شده از کنش است، («روایت حداقل» یعنی تغییر از یک پاره ابتدایی به پاره انتهایی)، پس الگوی روایی هم به شکل خودکار از همین الگو پیروی می‌کند. زمانی می‌توان از نشانه-معناشناسی اخلاقی، شناختی، عاطفی و بیانی سخن گفت که نخست مبحث نشانه-معناشناسی روایی به‌خوبی شناخته شده باشد. بی‌دلیل نیست که تمام نظریه‌پردازان در این حوزه، مطالعات خود را از کنش کنشگران آغاز کرده‌اند. به‌طور مثال، ولادیمیر پروپ، بررسی‌های شکلی خود را روی روایت‌ها از کنش کنشگران آغاز کرد و توانست

۳۱ کارکرد کنشی را معرفی کند. در واقع، روایت‌شناسی شناختی فقط به کمک مبحث بسیار مهم روایی‌گری فهم خواهد شد. با همین استدلال، زمانی می‌توان نشانه-معناشناسی اخلاقی، شناختی، عاطفی و بیانی را بررسی کرد که ابتدا نشانه-معناشناسی کنشی به شکل روشن فهم شده باشد. برای اثبات ادعای خود می‌توان این پرسش را مطرح کرد که چگونه می‌توان گفت که شخصیت داستانی ترسیده است، بی‌آن‌که سخنی از کنش ترساندن بیان شده باشد؟ این ادعای درستی است که بگوییم همه چیز با کنش آغاز می‌شود. بر این اساس، برای تحلیل هر گفته ابتدا باید کنش در آن گفته و در ادامه کنش گفته‌پرداز آن گفته را در هنگام عمل گفته‌پردازی با دقت مطالعه کرد. کنش دارای منطق خاص و دستور زبان خاص خود است. با تجزیه و تحلیل هر کنش می‌توان خط سیر روایی و غایت‌مند بودنش را به راحتی مشاهده کرد. از سوی دیگر، در گفتمان تخیل «کنش» بدون نیت و غایت بسیار دور از ذهن است. غالباً انسان شنا می‌کند برای چیزی دیگر به غیر از شنا کردن، غذا می‌خورد برای غایتی غیر از غذا خوردن، درس می‌خواند برای غایتی دیگر. او تمام این کنش‌ها را به خاطر هدف و غایتی دیگر انجام می‌دهد.

براین اساس به‌صراحت می‌گوییم که «نشانه-معناشناسی روایی...» در حد واسط دو اثر خوب در این حوزه قرار می‌گیرد: «مبانی معناشناسی نوین» از حمیدرضا شعیری و «معنا به مثابه تجربه زیسته (گذر از نشانه‌شناسی کلاسیک به نشانه‌شناسی با دورنمای پدیدار شناختی)» اثر مرتضی بابک معین. کتاب اول کتابی است ساختاری و کلاسیک و اثر دوم ارائه‌دهنده نظریه‌هایی نوین در این حوزه است و تلاش دارد از نشانه-معناشناسی کلاسیک گذر کند. مسلماً یک سوی محور واژه گذر در ارتباط با گذشته و سوی دیگر آن در پیوند با آینده است. نظریه‌پردازان نوین در حوزه نشانه-معناشناسی به هیچ عنوان گذر را در معنای رد و انکار اندیشه‌های نظریه‌پردازان قبلی ندانسته‌اند، زیرا نشانه-معناشناسان مدرن هم‌چون نشانه-معناشناسان کلاسیک هنوز پایبند به نظریه‌های سفت و سخت گرمس‌اند و هیچ‌یک از آن‌ها هنوز این نظریه‌های ساختاری و کلاسیک را رد و انکار نکرده‌اند، بلکه دورنمای خود را وسعت بخشیده‌اند و با تکیه بر نظریه‌های پیشین، در حال نظریه‌پردازی در حوزه‌های جدید هستند تا بتوانند راه‌های جدیدی در این حوزه باز کنند. بر این اساس، «مبانی معناشناسی نوین» نخستین کتاب در حوزه نشانه-معناشناسی مکتب پاریس در ایران است. حمیدرضا شعیری با تکیه بر اصول ساختاری سعی کرد اصول و مبانی کلی این علم را به شکلی ساده، روان و علمی بیان کند. کتاب حاضر، نشانه-معناشناسی روایی، در ادامه نظریات «مبانی معناشناسی نوین» تلاش دارد از کلیات عبور کند و به ژرف‌ساخت و بطن متن و به

طور کلی در واحدهای تشکیل‌دهنده و معنایی متن وارد شود و از مباحث گوناگون نشانه-معناشناسی فقط به مسئلهٔ روایی‌گری و ارتباط آن با مدلیته‌ها با همان اصول ساخت‌گرایی بپردازد تا دریچه‌ای باشد برای کسانی که علاقه دارند نشانه-معناشناسی بعد از گرمس را مطالعه کنند. به همین خاطر، «معنا به مثابه تجربهٔ زیسته» زمانی قابل فهم است که دو کتاب قبلی نامبرده‌شده در این بند خوانده شوند. این کتاب تلاش دارد به پیوستگی و گذر از نشانه‌شناسی کلاسیک به نشانه‌شناسی با دورنمای پدیدار شناختی بپردازد. «معنا به مثابه تجربهٔ زیسته»، با تکیه بر مباحث ساختاری در نشانه-معناشناسی و گذر از آن و نیز با ارائهٔ نظریه‌های جدید در این حوزه قدم به بعد ساخت‌گرایی می‌گذارد و تلاش دارد برای احیای علم نشانه-معناشناسی به موضوعاتی هم‌چون «تن»، «ادراک»، «امر حسی» و «حضور» بپردازد. به همین خاطر، می‌توان به صراحت گفت که این سه اثر به‌خوبی هم‌پوشانی دارند و تکمیل‌کنندهٔ یکدیگرند.

اکنون که کتاب *نشانه-معناشناسی روایی* مکتب پاریس با عنایت پروردگار به مرحلهٔ انتشار و عرضه به علاقه‌مندان رسیده است، وظیفهٔ خود می‌دانم از همدلی و همراهی صمیمانهٔ سرکار خانم فاطمه کواشی که از سر محبت و با بذل وقت و حوصلهٔ بسیار زحمت و پیرایش چندباره و به سامان رساندن این کتاب را متقبل شده‌اند و در این خصوص اهتمامی ویژه داشته‌اند، همچنین از لطف و عنایت سرکار خانم آذر مه‌سنجری و پیگیری‌های مجدانهٔ ایشان در به ثمر رساندن این مهم و از سرکار خانم سمیرا دهقان، حروف‌نگار و صفحه‌آرای صبور و دقیق انتشارات دانشگاه، و نیز از جناب آقای آرمان خرمک برای طراحی جلد این کتاب سپاسگزاری نمایم. از خداوند بلندمرتبه سلامت و سعادت این بزرگواران نیکاندیش را مسئلت دارم.

علی عباسی

پاییز ۱۳۹۵

۱. مقدمه

۱.۱. موضوع علم نشانه- معناشناسی: ظاهر شدن معنی

نشانه یا روابط ساختاری پنهان

مدت زمانی است که نشانه- معناشناسی^۱ تأثیری عمیق در علوم انسانی گذاشته است. کمتر رشته‌ای در این حوزه می‌توان یافت که از نظریه نشانه‌ها سود نبرده باشد. نشانه- معناشناسی حوزه‌ای مطالعاتی است که در جست‌وجوی طرحی برای تبیین کارکرد رمز، نشانه و تجلی مادی آن، یعنی گفتمان است. در واقع، آن چیزی که نشانه- معناشناسی را از نشانه‌شناسی متمایز می‌کند این است که نشانه- معناشناسی فقط در جست‌وجوی یک گونه‌شناسی بی‌قید و شرط و جهانی از نشانه‌ها نیست، بلکه بیشتر به دنبال آن چیزی است که در سطح زیرین نشانه‌ها یا حتی بین نشانه‌ها رخ می‌دهد. این ادعایی درست است که نشانه- معناشناسی به دنبال منطق و دستور زبان متون ادبی، هنری و متن به طور کلی است. نشانه- معناشناسی در جست‌وجوی پایه و اساس روابط متقابلی است که بین نشانه‌ها اتفاق می‌افتد که حاصل آن ظاهر شدن معناست. در یک کلام، موضوع مطالعه نشانه- معناشناسی «معنی» است و این شاخه علمی به دنبال چگونگی ظاهر شدن معنا و منطقی است که این معنا را آشکار می‌کند. در سطحی وسیع‌تر باید گفت که نظریه معناشناسی و در ادامه نشانه- معناشناسی به دنبال چگونگی آشکار شدن معنا نه تنها در زبان به عنوان یک موضوع معناشناسی است، بلکه به دنبال کلیت معنایی در همه گفتمان‌هاست. معناشناسی، زبان را مجموعه‌ای از نشانه‌ها نمی‌داند، بلکه آن را مجموعه‌ای از ساختارهای معنایی به حساب می‌آورد. و در واقع موضوع اصلی نشانه- معناشناسی نشانه نیست، بلکه روابط ساختاری پنهان و نهفته‌ای است که معنا را تولید می‌کند. به همین خاطر، و از همان ابتدا اعلام می‌کنیم که از دیدگاه نگارنده، نشانه- معناشناسی بیش از آن که یک نگاه به جهان و فلسفه زیستن باشد، ابزاری است التفاتی برای تجزیه و تحلیل نظام‌های معنایی و گفتمان‌ها. بر این اساس و با در نظر گرفتن نشانه- معناشناسی به عنوان ابزار تجزیه و

1. sémiotique

تحلیل، هدف نشانه- معاشناس به دنبال معنای نخستین در نظام‌های معنایی است. نشانه- معاشناس دائماً تلاش دارد تا به این معنای آغازین و ابتدایی متون یا نظام‌های معنایی برسد. او برای رسیدن به معناهای ثانوی فرهیخته‌گان را به فلسفه، روان‌شناسی و به علوم دیگر هم‌چون جامعه‌شناسی ارجاع می‌دهد، البته به شرط این که به اصول و روش تحلیل علمی خود پایبند باشند. برای رسیدن به این معنای ابتدایی، نشانه- معاشناس تلاش دارد هم‌چون دستور زبان زایشی به طبقه‌بندی، سطح‌بندی و تقطیع جمله به ژرف‌ساخت و روساخت بپردازد. درواقع، نشانه- معاشناس برای تحلیل نظام‌های معنایی به برش‌بندی کلام یا متن می‌پردازد و سعی دارد ژرف‌ساخت و روساخت کلام و گفتمان را بیابد و سطوح مختلف حاصل از این تقطیع و ربط آن‌ها را با یکدیگر نشان دهد تا بتواند همان کلیت معنایی گفتمان را ارائه دهد. نتیجه این عمل تقطیع، ظاهر شدن ساختارهای مختلف مانند ساختارهای روایی، کنشگران، عمل گفته‌پردازی، فیگورتیو، شیء ارزشی و غیره است. این ساختارها را می‌توان به ساختارهای انتزاعی و عینی طبقه‌بندی کرد. برای تجزیه و تحلیل متن یا کلام می‌توان از ژرف‌ساخت که جایگاه داده‌های انتزاعی است شروع و به سوی روساخت که جایگاه داده‌های عینی است و معنا در آن جا ظاهر می‌شود حرکت کرد. به همین خاطر، تمام نظام‌های معنایی و تمام علمی که به نوعی با متن سروکار دارند به روش‌شناسی، روش کار و روش تجزیه و تحلیل علم نشانه- معاشناسی نیاز مبرم دارند. اکنون و بر اساس آنچه گفته شد، می‌توان به‌درستی ادعا کرد که موضوع مطالعه نشانه- معاشناسی معنی است، اما، بهتر است گفته شود که موضوع آن بیشتر چگونگی ظاهر شدن معناست تا خود معنی، زیرا دسترسی به معنا چیزی نیست که قابل مشاهده باشد. درواقع، این حوزه، حوزه بسیار گسترده‌ای است که مجموعه‌ای از شاخه‌های علوم انسانی تلاش دارند هر کدام به نوعی به آن بپردازند: از فلسفه تا زبان‌شناسی، از قوم‌شناسی تا تاریخ، از روان‌شناسی تا جامعه‌شناسی تماماً در جست‌وجوی معنا هستند، اما تفاوت نشانه- معاشناسی با دیگر شاخه‌های علوم انسانی درست در این نکته است که نشانه- معاشناسی فقط به «ظاهر شدن معنا» می‌پردازد و نه به خود معنی. درواقع، این شکل‌های زبانی یا گفتمان‌ها هستند که معنی را منتقل می‌کنند و باعث نمود و ظهور آن می‌شوند.

۲.۱. هدف نشانه- معاشناسی

علاوه بر چگونگی ظاهر شدن معنی به کمک گفتمان‌های کنشی یا همان گفتمان‌های روایی، حداقل دو هدف اصلی دیگر را می‌توان برای نشانه- معاشناسی در نظر گرفت که یکی گذر از

نشانه و رسیدن به دلالت معنایی است و هدف دیگر الگوسازی و قالب‌بندی ساختارهای دلالتی است. «از فردینان دو سوسور که نشانهٔ زبانی را هم‌چون کلیتی در نظر گرفت [...] به بررسی ترکیب‌های نشانه و مطالعهٔ بینارتباطی نشانه‌ها می‌رسیم [که از بنیان‌گذاران آن می‌توان از] زبان‌شناس دانمارکی، یلمسلف^۱، و به دنبال آن گرمس^۲ در این حوزه [سخن گفت]». (کورتز، ۱۹۹۵: ۱۹) در واقع، فردینان دو سوسور نشانه‌شناسی را^۳ علمی در نظر گرفت که تلاش دارد زندگی نشانه‌ها را در قلب زندگی اجتماعی مطالعه کند. به همین خاطر، «نشانه‌شناسی بنیاد هدف خود را به تهیهٔ فهرست‌بندی، گونه‌شناسی و نقش نشانه‌ها در جهانی فرهنگی، اجتماعی اختصاص داد.» (کورتز، ۲۰۰۷: ۲۲) بر این اساس، به‌درستی می‌توان گفت که یکی از اهداف «نشانه-معناشناسی الگوسازی و قالب‌بندی ساختارهای دلالتی است که این الگوها [می‌توانند] گفتمان اجتماعی و گفتمان فردی را شکل دهند»^۴ (البته نشانه-معناشناس این الگوها و ساختارها را از دل گفتمان‌ها بیرون می‌کشد و برخلاف دیدگاه نادرست، برای متن دستورالعملی صادر نمی‌کند و نسخه‌ای نمی‌پیچد!). در این‌جا می‌توان مرز بین نشانه و نشانه-معناشناسی را به‌خوبی ترسیم کرد. آنچه برای نشانه‌شناس حائز اهمیت است دلالت معنایی است نه صرف نشانه. در واقع، نشانه-معناشناسی معاصر، یعنی مکتب پاریس، تلاش دارد در هنگام پژوهش‌هایش به دو محور اصلی توجه کند: ۱. ابتدا در سطحی فوقانی، روابط بین نشانه‌ها را نشان دهد، ۲. آن‌گاه، «به لحاظ درجه‌ای و در سطحی پایین‌تر، روابط بین عناصر تشکیل‌دهندهٔ نشانه‌ها را [معرفی کند]». (همان: ۷۱) به عبارتی دیگر، نشانه-معناشناس در این‌جا، با کم‌رنگ‌تر کردن گونه‌شناسی‌های مربوط به نشانه‌ها، توجه خود را فقط به روابط بین نشانه‌ها و بین عناصر تشکیل‌دهندهٔ نشانه‌ها معطوف می‌کند، زیرا معنی^۵ به کمک این روابط نمود می‌یابد و ظاهر می‌شود. نشانه به‌تنهایی و به شکل یک کلیت و بدون در نظر گرفتن آن با نشانه‌های دیگر نمی‌تواند معنی داشته باشد. بر این اساس می‌توان گفت که هدف نشانه-معناشناسی بیشتر مطالعهٔ روابط دلالتی است تا بررسی ارتباط^۶. البته این روابط دلالتی، هم در سطح معنای صریح، هم در سطح معنای ضمنی، هم در سطح گفته (نحو و معنا) و هم در سطح گفته‌پرداز صورت می‌گیرد. یادآوری این که گفته نتیجهٔ تحلیل عینی پیام است (که این پیام

1. Hjelmslev

2. A.J. Greimas

3. sémiologie

4. J.Cl. Coquet. *Le Discours et son sujet*, Paris, Klincksieck. 1984, 21.

5. sens

6. communication